

حرف‌های ۲ هزار ساله بازه‌هور

گزارش نخستین نشست پیرامون ۱۰سال کاوش باستان‌شناسی بازه هور در مشهد

شیرین سیدی

کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه تاریخی بازه‌هور که در محدوده شهرستان مشهد نیز قرار دارد، از سال ۱۳۹۳ آغاز شد. اولین روزهای بهمن ۱۴۰۳ خورشیدی، اولین نشست برای معرفی این محوطه باستانی در شهر ما برگزار شد. روزنامه شهرآرا پیش‌تر در مهر ۱۴۰۳ و در همین صفحه، گزارش بازدید میدانی از این کاوش‌ها را منتشر کرده و احتمال پیداشدن یکی از سه آتشکده باستانی ایران، یعنی «آذربرزین مهر» در آن را مطرح کرده بودیم اما حالا پس از پایان فصول دهگانه کاوش درباره این اولین بنای ثبت ملی خراسان چه می‌دانیم؟ آیا می‌توان گفت محوطه تاریخی بازه هور درک ما را از جایگاه حکومتی و دینی این بخش تمدن ایران‌زمین تغییر داده است؟ دکتر میثم لباف خانیکی، دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه تهران و سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی این محوطه تاریخی، در نشست سوم بهمن‌ماه که با عنوان «کاوش در بازه هور» به همت انجمن علمی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد در این دانشگاه برگزار شد، خلاصه‌ای از یک‌دهه تحقیقات باستان‌شناسی در یکی از مهم‌ترین مراکز آیینی خراسان بزرگ را ارائه داد. او در معرفی موقعیت جغرافیایی این محوطه تاریخی گفت: بازه هور که اکنون در بخش احمدآباد و در ۷۵کیلومتری جنوب شهر مشهد قرار دارد، در قرون گذشته جزو ولایت بُست محسوب می‌شده است. این چهارطاقی در مسیری قرار دارد که شمال و جنوب شرق ایران را به هم متصل می‌کند. بر ما روشن است که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، از همین مسیر به مرو رفته و فتوحات مسلمین نیز از همین مسیر رقم خورده است.

- حل معمای بازه هور

بیشتر وقت این جلسه، به شرح یافته‌ها و نیافته‌ها در بازه هور گذشت، لباف گفت اولین فصل کاوش ما برای رفع ابهاماتی که حدود صد سال پیش پژوهشگران غربی درباره معماری این چهارطاقی مطرح کردند، انجام شد و پس از دو فصل تحقیق، دریافتیم که در سمت شرقی چهارطاقی بازه هور، یک تالار با دو دریف منظم هشت‌تایی ستون قرار داشته است. درب ورودی اصلی آن نیز که پیش از اسلام در سمت جنوب شرقی بوده، پس از اسلام بسته شده و ورودی بنا از سمت غربی باز شده است. این تحول احتمال تغییر کاربری آن به مسجد را تقویت می‌کند که در این صورت یکی از اولین مساجد دوره اسلامی خراسان خواهد بود. در این چهارطاقی هرچند اثری از آتشدان و برگزاری مناسک دینی پیش از اسلامی یافت نشد، اما این امر به دلیل بالا آمدن سی‌سانتی متری کف گچی نباست. بر پایه این یافته‌ها بود که معماری آن به طور کامل برای ما روشن و ابهامات اولیه برطرف شد.

- شناسایی یک محدوده تاریخی ۴۰هکتاری

دانش باستان‌شناسی می‌گوید که چهارطاقی نمی‌تواند یک بنای منفرد باشد و باید سازه‌های دیگری نیز در اطراف آن وجود داشته باشد. همین پیش‌فرض سبب شد لباف و تیم حدوداً سی نفره باستان‌شناسی اش به جست‌وجوی سازه‌های دیگر بپردازند. او درباره چگونگی کشف اولین نشانه‌ها گفت، «بررسی میدانی محیط پیرامون چهارطاقی بازه هور و کشف شواهدی از سفال‌های سطحی و بقایای معماری نشان داد که این چهارطاقی، بخشی از یک سکونتگاه کهن بوده که در اثر عبور اولیه انتقال نفت جنوب به شمال به طور مستمر در معرض تخریب قرار گرفته است. تخریب سطح این سکونتگاه سبب آشکارشدن بخشی از دیوارهای سنگی و خشتی شده است و در سطح آن سفال‌های فراوانی از دوره ساسانی تا قرون ۴ و ۵ هجری پراکنده است. براین اساس و باکمک روش‌های کاوش بدون حفاری موفق به شناسایی بافت‌های متمرکز معماری در محوطه اطراف چهارطاقی شدیم. در ادامه با ایجاد نوزده گمانه یک در یک مترمربعی موفق شدیم محدوده این محوطه تاریخی را به مساحت بیست هکتار شناسایی کنیم. عرصه و حریم این محوطه تاریخی در سال ۱۳۹۹ توسط استانداری به ارگان‌های ذی‌ربط ابلاغ شد.»

- کوه دختر و انقلابی در کاوش‌های بازه هور

اما روایت بازه هور از وقتی شکوهمندتر شد که کاوش‌ها بر «کوه دختر» آغاز شد. این تپه با شیب تند که حدوداً ۱۵۰متر ارتفاع دارد، در بخش جنوبی چهارطاقی بازه هور واقع است و بر فراز آن بقایای معماری

بنایی موسوم به قلعه دختر قرار دارد. این باستان‌شناس درباره اکتشافات کوه دختر گفت: «چون در متون تاریخی، از آن به عنوان قصر دختر هم یاد شده و بر روی سطح آن نیز قطعات گچ‌بری یافت شد، فرض اولیه ما نیز رسیدن به یک قصر یا ارگ حکومتی بود. مجموعه شامل یک محوطه وسیع در جنوب که ورودی آن بوده، یک دیوار به طول سیصد متر برای تردد و در نهایت یک محوطه استقرار محصور در قله کوه بود که بخش اول ششصد مترمربع و بخش دوم ۳۵۰۰ مترمربع وسعت دارد. کاوش‌ها را در بخش قله که متأسفانه توسط حفاران غیرمجاز آسیب‌های جدی دیده بود، آغاز کردیم. این حفاری‌های غیرمجاز بیشتر برای برداشتن آجر بود زیرا مصالحی گران است. از یکی از این حفاری‌ها حدود ۲ هزار قطعه گچ‌بری بیرون ریخته شده بود که اکنون به مخزن موزه بزرگ خراسان منتقل شده است با مرکزیت همین چاله حفاری کارگاهی را باز کردیم و به حوضی با ابعاد سه در سه مترمربعی رسیدیم با ستون‌هایی در اطراف آن که در پی تخریب به داخل حوض افتاده بودند و یک مجموعه بی‌نظیر از دوازده ستون با گچ‌بری‌های متنوع دوره ساسانی در اختیار ما گذاشت. این بهره‌بردن از گچ نیز شگفت‌انگیز بود، حتی در نماهای خارجی و کف نیز با ترکیباتی خاص که در برابر آب مقاوم می‌شود از این عنصر محلی بهره برده شده بود. دیوارنگاره‌های یافت شده نمونه‌ای در شرق کشور نداشتند و مشابه بناهای ساسانی جنوب غرب ایران و مرکز حکومت ساسانی بودند.»

- وقتی فرضیه‌ها تغییر کرد

نقطه عطف کاوش‌ها اما یافتن پایه آتشدان در این محدوه بود که فرضیه‌ها را تغییر داد. این استاد دانشگاه در این باره به حضاران گفت: «در فصل بعدی کاوش که در سال ۱۳۹۸ انجام شد، با شناسایی یک چهارطاقی و پایه آتشدان دیگر دانستیم که نباید به دنبال قصر در این محدوده باشیم، بلکه باید فرم معماری آتشکده را پیدا کنیم. آتشکده‌ای تقریباً برابر چهارطاقی بازه هور در پایین کوه که با یک دیوار پیرامونی محصور می‌شد و در مرکز آن جایگاه آتشدان قرار داشت و اجزای دیگری که باز از الگوی آتشکده‌های غرب ایران از جمله آتشکده تخت سلیمان تبعیت می‌کرد. یافته شگفت‌انگیز دیگر «فضای منفی پایه یک آتشدان» بود که بارها هم مرمت شده بود و در کنار آن توده‌های گچ و شن خام یافت شد که نشان می‌داد با یک قالب تولید آتشدان روبه‌رو هستیم. آتشدان‌های تولیدی در این کارگاه برای حمل آتش مقدس از این مکان به اقصی نقاط قلمرو استفاده می‌شده است.»

- نگاره‌هایی که از یک بنای شکوهمند خبر می‌دهد

شگفتی‌های قلعه دختر اما تمامی ندارد. لباف از یافتن نقاشی دیواری

در کاوش‌های خود گفت؛ پدیده‌ای که جز در کوه خواجه سیستان دیگر در حوزه شرق ایران نمونه‌ای ندارد. رنگ‌های این نقاشی که از شنگرف و لاجورد، دو سنگ گران‌قیمت بودند، حکایت از جایگاه ویژه این آتشکده دارند. از سویی دریافتیم آتشکده قلعه دختر با آجر ساخته شده است که تنها نمونه مشابه این مصالح گران را در آتشکده آذرگشسب تخت سلیمان می‌بینیم.

یافتن چهره انسانی نیز فرضیات پیرامون این محوطه را وارد فاز جدیدی کرد. میثم لباف در این باره چنین توضیح داد: «در کاوش‌های سال ۱۴۰۱ به ۳۵۰۰ قطعه گچ‌بری دیگر دست یافتیم که متأسفانه شکسته بودند اما در میان این قطعات به چهره‌های انسانی برخوردیم و باز اولین مرتبه در این بخش کشور بود که ما به چهره شخصیت‌های ساسانی دست یافتیم. بخش‌هایی از دو چهره یک مرد و زن که گویای جلوس مرد بر تخت و ایستادن زن با لباس و تجملات درباری در کنار تخت اوست. با چیدن این پازل که وقتی سالم بود حدود دو متر ارتفاع داشته و مراجعه به تاریخ این خطه، چنین می‌توان حدس زد که این اثر مربوط به دوره‌ای باشد که یزدگرد سوم ساسانی، آخرین پادشاه این دودمان، در این آتشکده پناهنده بوده و با توجه به رفتن او ناتمام مانده است.» به دست آمدن شصت قطعه دیوارنوشته پهلوی، در نظر اول برای خواندن چیستی این مجموعه بزرگ خیلی ارزشمند است اما وقتی متوجه می‌شویم که در اثر حفاری‌ها و گذشت زمان مخدوش و ناخوانا شده است، امید‌ها کم می‌شود. هرچند همچنان متخصصان در حال مطالعه بر روی آن‌ها هستند و تاکنون نیز چند حقیقت را روشن کرده‌اند. این پژوهشگر در ادامه چنین گرہ‌گشایی کرد: «خوانده شدن یک واژه کلیدی، یعنی «در آتوران» که به معنی «درگاه آتش‌ها» است و برای مکان‌هایی که آتش‌های مهم داشتند، استفاده می‌شد خود در تقویت جایگاه این بنا مؤثر بود. این کتیبه‌ها اغلب یادگارنوشت هستند. مثلاً در یکی از آن‌ها، یکی از خادمان شرح جمع‌آوری هیزم با همراهی شاه را نوشته است. اما ما همچنان منتظر نتایج مطالعات محققان زبان‌های باستانی هستیم. گل‌مهر‌های یافت‌شده با نقش اسب بال‌دار و... هم که نشان از وجود مرکز اداری دارند در این محدوده یافت‌شده است. همچنین مجموعه‌ای از ظروف شیشه‌ای و سفال‌های دوره اشکانی تا قرون ۳ و ۴ اسلامی شناسایی شده است.»

- حیات بیش از هزار ساله تا اوایل دوره اسلام

یکی از سؤالات پیرامون این محوطه تاریخی قدمت آن بود که سرپرست کاوش‌های بازه هور در این باره گفت: «موفق به شناسایی چهار مرحله معماری در آن شده‌ایم؛ مرحله اول بنای خشتی مربوط به اواخر دوره اشکانی بود که آن نیز احتمالاً بنایی آیینی بوده است،



با اسکن کد روبه‌رو
گزارش قبلی شهرآرا
را در همین خصوص
بخوانید



تصویری از بازه هور مربوط به دوره پهلوی اول

مرحله دوم تغییرات در اوایل دوره ساسانی است که بخش مرکزی این بنای خشتی برچیده شده و با یک سازه آجری جایگزین شده است. در مرحله سوم این آتشکده طی نیمه دوم ساسانی با الحاقاتی چون گچ‌بری‌ها و ستون‌ها تزئین می‌شود. مرحله پایانی تا اوایل دوره اسلامی بوده که با تغییراتی اندک همچنان از آن استفاده می‌شده است.»

همه این نشانه‌ها این پرسش را تقویت می‌کند که آیا یکی از سه آتش مقدس ایران باستان رخ نموده است؟ در متون خوانده‌ایم آتش مقدس کشاورزان، یعنی «آذربرزین مهر» در بُست قرار داشته است. اما آیا آتشکده قلعه دختر می‌تواند آذربرزین مهر باشد؟ به گفته لباف خانیکی، شواهدی که گفته شد، نشان می‌دهد آنچه ما در این محوطه تاریخی یافته‌ایم باشکوه‌تر از همه آتشکده‌های شرق ایران و مشابه آتشکده‌های حکومتی دوره ساسانی که در غرب و جنوب غرب واقع هستند، بوده است. استفاده از آجر، تزئینات کم‌نظیر و شکل سازه معماری آن، همه دلالت بر بااهمیت بودن این آتشکده دارد اما ما کتیبه‌ای که این فرضیه را اثبات کند نیافته‌ایم و در این زمینه هنوز در حال پژوهش هستیم.

- سخن آخر؛ افسوس‌ها و آرزوها

پایان بخش این نشست اما پایان دریغ‌ها و توصیه‌ها به دوست‌داران و مسئولان فرهنگی خطه خراسان و مشهد بود؛ مسئول ارشد ۱۰سال کاوش در یکی از مهم‌ترین مراکز آیینی خراسان بزرگ، گفت: اهالی بازه هور از اهمیت آنچه در نزدیکی خود دارند با اطلاع‌اند ولی توان مقابله با حفاران غیرمجاز را ندارند. حفارانی که به دنبال سکه و طلا هستند و به این امید واهی به میراث چند هزار ساله که می‌تواند پرده از حقایق تاریخی بسیاری بردارد و در نتیجه به رونق گردشگری در منطقه کمک کند، صدمه جدی و جبران‌ناپذیر می‌زنند. با توجه به وجود حمام دوره قاجاری روستای بازه هور و رباط یاکاروان سرای دوره صفوی روستای رباط سفید، کاروان‌سرای دوره غزنوی اراضی عباس‌آباد و البته چهارطاقی بازه هور و یافته‌های قلعه دختر که تا سامان دهی و حفاظت همچنان باید در زیر خاک باقی بماند، می‌توان یک پایگاه پژوهشی و گردشگری وسیع و ارزشمند در این محدوده تعریف کرد.

مشهد در حوزه باستان‌شناسی حرف برای گفتن بسیار دارد و یکی از دلایل ناشناخته‌ماندن آن، نبود دیارتمان باستان‌شناسی در دانشگاه فردوسی است. امری که دکتر محمدتقی ایمان‌پور، مدیر گروه تاریخ دانشگاه فردوسی نیز به آن اذعان داشته و از اینکه تاکنون تلاش‌ها برای به‌انجام رساندن آن بی نتیجه مانده است ابراز تأسف کرد.



دورنمای محوطه‌ای که بازه‌هور در آن واقع شده است



میثم لباف خانیکی، موفق به شناسایی چهار

مرحله معماری در بازه‌هور شده‌ایم؛ مرحله

اول بنای خشتی مربوط به اواخر دوره اشکانی

بود که آن نیز احتمالاً بنایی آیینی بوده است،

مرحله دوم تغییرات در اوایل دوره ساسانی

است که بخش مرکزی این بنای خشتی

برچیده شده و با یک سازه آجری جایگزین

شده است، در مرحله سوم این آتشکده

طی نیمه دوم ساسانی با الحاقاتی چون

گچ‌بری‌ها و ستون‌ها تزئین می‌شود.

مرحله پایانی تا اوایل دوره اسلامی

بوده که با تغییراتی اندک همچنان

از آن استفاده می‌شده است.



قصه فواره‌هایی که بدون پمپ کار می‌کرد

به تدریج و در ادامه مسیر، از قطر تنبوشه کم و به شیب نصب اضافه می‌کردند و به این ترتیب، شتاب حرکت آب در لوله‌های سفالی افزایش پیدا می‌کرد و در انتها، از وسط حوض با فشار بیرون می‌زد و آب نما می‌ساخت. با این حال، ساخت چنین آب‌نمایی به همین سادگی نبود. معمار باید برای بسیاری از مسائل و مشکلات پیش روی آب نما چاره‌اندیشی می‌کرد. مسیر انتقال آب همیشه هموار نبود و گاه انتقال آب از مظهر قنات تا حوض، نیازمند لوله‌گذاری چند فرسختی بود. از سوی دیگر، امکان داشت شیب مسیر مناسب این کار نباشد و جنس زمین هم مانع از حفر عمیق آن شود. در این‌گونه موارد، معماران با طراحی مخازن آب در مکان‌های مرتفع و جمع کردن آب در آن‌ها، کار فعال کردن تنبوشه‌ها را سامان می‌دادند. طبعاً فواره‌هایی که به این شکل ایجاد می‌شد، در ماه‌های خشک سال ارتفاع کمتری پیدا می‌کرد یا اصلاً از کار می‌افتاد. ساخت آب‌نما در آن دوره، کاری پرهزینه بود که هر کسی از پس مخارجش برنمی‌آمد و تنها در خانه‌های ثروتمندان و نیز کاخ‌های فرمانروایان، نمونه‌هایی از آن دیده می‌شد. امروزه فواره‌ها از آب حوض تغذیه می‌کنند و مجدداً آن را به حوض برمی‌گردانند، اما در فواره‌هایی که می‌بینید، آب از بیرون به حوض منتقل می‌شد و پس از سرریز شدن آن، از طریق جوی‌های اطراف حوض به جاهای دیگر، مانند باغ و... انتقال پیدا می‌کرد. بعدها با ورود پمپ‌های بخار به ایران، ساخت فواره‌های این چنینی به تدریج منسوخ شد و در نهایت از یاد‌ها رفت.



خوابگاه ناصر الدین شاه رو به مغرب در دارالخلافه ناصری / عکس عبدال... قاجار